

## ۲. متون نظم

۲-۱. برگزیده و شرح شاهنامه، پرویز اتابکی، چاپ اول، تهران، نشر فرزاد روز،  
۱۳۷۵.

زبان این کتاب (در بخش توضیحات) ساده و مناسب است و در آن قواعد دستور زبان و نگارش در حد متعارف و متعادل رعایت شده است. مؤلف سعی کرده در مقدمه کتاب، درباره خداشناسی فردوسی و پایگاه والای اندیشه‌های او توضیحاتی بدهد. چنان‌که در مقدمه، تذکر داده است: «در این برگزیده ابیاتی از این دست که بیانگر اندیشه حکیمانه فردوسی است با حروفی متمایز چاپ شده». در این کتاب بحثی با عنوان «پاره‌ای توضیحات درباره این برگزیده» در واقع نوعی راهنمایی برای خواننده است، که فهرست واژگان موجود در صفحات ۲۷۳ تا ۲۸۷ در متن کتاب بر این راهنمایی امتیاز ویژه‌ای داده است.

در پیشگفتار کتاب که در صفحات ۱ تا ۷ نگاشته شده است، نکته‌های ذیل حائز اهمیت است:

۱. بحثی که درباره زندگی فردوسی، نام و نام پدر او و تاریخ شروع و ختم شاهنامه و... شده است، مستند نیست. مثلاً در صفحه ۱، سطر ۸، آنجا که نوشته است: «در ترجمه بنداری از شاهنامه به زبان عربی که در حدود سال ۶۲۰ هجری نگاشته شده نام او منصور و نام پدرش حسن آمده است.» مأخذ مورد استفاده مؤلف با مشخصات لازم آن معرفی نشده و تنها به ذکر نام آن اکتفا شده است. یا در صفحه ۲ که به «نوشته نظامی عروضی» اشاره شده، مأخذ مورد نظر که **چهار مقاله** است معرفی نشده و برخی موارد دیگر؛
۲. مأخذ ابیاتی که در پیشگفتار به عنوان شاهد از شاهنامه، نقل شده، ذکر نشده است؛
۳. نثر این بخش، در پاره‌ای موارد پخته و فصیح نیست؛ مثلاً در صفحه ۱ از سطر ۱۸ نوشته است: «سال ولادت او نیز معلوم نیست و اگر بکوشیم از نوشته‌های نسخه‌های موجود خطی و چاپی شاهنامه، بدین راز پی‌بریم بسیار دشوار و راه بسی ناهموار است» هم جمله «بدین راز پی‌بریم» نارساست و هم عبارت «بسیار دشوار و راه بسی ناهموار است» بازی با الفاظ به نظر می‌رسد؛
۴. کاربرد صفت «آبدار» که در صفحه ۵ سطر ۲۰ برای «ضرب‌المثل‌های آبدار» و در صفحه ۷ سطر ۱۵ در مورد: «سروده ساخته آبدار» استعمال شده، مهجور و نامستعمل به نظر می‌رسد؛
۵. مطالب این «برگزیده» از آغاز شاهنامه تا پایان زندگی رستم یا شامل بخش‌هایی از ادوار اساطیری و پهلوانی شاهنامه است و چون همه

## ادبیات کلاسیک ۷۵

شاهنامه‌رادر برنمی‌گیرد و از دوره تاریخی آن ذکری به میان نیامده و مطلبی نقل نشده است، عنوان آن: «برگزیده و شرح شاهنامه» با محتوای این اثر هماهنگی ندارد؛

۶. درباره شرح بیت شماره ۵ صفحه ۱۱: «به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را» که شارح در صفحه ۱۶ توضیحاتی داده است، باید به این نکته اشاره می‌کرد که فردوسی در بیت مذکور به ابطال عقیده اشاعره اشاره دارد که با توجه به آیه ۲۲ سوره مبارکه قیامت ۷۵: «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره» معتقد هستند که روز قیامت خداوند را می‌توان با چشم سر دید؛

۷. درباره سطر ۹ صفحه ۲۵ که شارح درباره کیومرث نوشته: «طبری می‌نویسد گروهی گویند که آدم او بود و گروهی گویند که او نبیره آدم بود» باید مآخذ مطلب نقل شده معرفی می‌شد؛

۸. در صفحات ۲۷ تا ۳۳ این کتاب که مربوط به «ضحاک تازی و کاوه آهنگر» است و ضمن آن به «بوسیدن ابلیس شانه‌های ضحاک و روئیدن ماران در آن اشاره شده، باید به نمادین (سمبلیک) بودن خوراک این دو مار از مغز جوانان اشاره می‌شد و درباره اینکه حکام ستمگری چونان ضحاک، برای رسیدن به مقاصد غیرانسانی خود، اولین طبقه‌ای را که در اجتماع خویش تحت فشار قرار می‌دهند و مانع رشد فکری و مغزی آنان می‌شوند جوانان هستند؛

۹. در صفحات ۳۳ و ۳۸ که سخن از «فریدون» است، می‌شود به طور اجمال درباره اینکه اواز امیران آرمانی شاهنامه است و واجد همه صفات نیک یک رهبر دادگستر فرزانه است، بحث کرد؛

۱۰. در مورد با بیت ۵ صفحه ۴۱ از زبان منوچهر چنین آمده است: «همم دین و هم فرّه ایزدی است ...» باید در بخش توضیحات آن، درباره «دین» ایرانیان قبل از زردشت، همچنین در مورد «فرّه ایزدی» که به اعتقاد مردم ایران باستان لازمه پادشاهی بوده است، توضیحاتی داده می‌شد؛

۱۱. بیت ۹ صفحه ۷۰ نیاز به معنی دارد که معنی نشده است؛

۱۲. معنی‌ای که برای «زین پلنگ» در بیت ۴۵ صفحه ۷۲:

به بند کمرش اندر آویخت چنگ جدا کردش از پشت زین پلنگ

عرضه شده، «زینی که رویه‌اش از پوست پلنگ بود»، قابل تأمل است. شاید «زین پلنگ» به معنی زین اسبی که از لحاظ سرعت تکاوری مانند پلنگ است، بهتر باشد.

۱۳. از بیت شماره ۳۸۲ صفحه ۹۴: «ز مردانِ توران خنیده تویی .....» واژه «خنیده» باید معنی می‌شد. خنیده در لغت به معنی نامور، معروف، مشهور و پسندیده است. این کلمه در فهرست واژگان آخر کتاب هم نیامده است؛

۱۴. در مقدمه داستان رستم و سهراب - در صفحه ۹۹ - مخصوصاً موضوع مرگ و دین که از دیدگاه فردوسی مرگ «داد است و بیداد نیست» باید توضیحاتی داده می‌شد؛

۱۵. در مورد مصرع دوم بیت شماره ۹ ص ۹۹: «... چو ایدر بُدن نیست برگ» واژه «برگ» به معنی جواز و پروانه معنی شده در حالی که مفهوم ساده‌تر و بهتر آن «میسر» است که مآلاً «برگ نیست» به معنی میسر و ممکن نیست آمده است؛

## ادبیات کلاسیک ۷۷

۱۶. در شرحی که ابتدای صفحه ۱۰۰ درباره دیدار تهمینه و رستم و ازدواج آن دو ارائه شده است، موضوع رضایت رستم به این ازدواج که شرط اصلی آن آگاه کردن پدر تهمینه و اجازه اوست، حذف گردیده است؛
۱۷. در مطالب نقل شده مربوط به داستان رستم و سهراب - صفحه ۱۰۲ - جنگ هجیر با سهراب و اسیر شدن او به دست سهراب که از قسمت‌های جالب و حساس داستان است حذف گردیده، چون در چند صحنه بعد از این رُخداد از جمله نامه‌ای که کیکاوس به رستم می‌نویسد و پرسش سهراب از هجیر برای شناختن رستم، به واقعه مذکور اشارت می‌شود. لذا حذف آن نقصی در تلخیص داستان فراهم آورده است؛
۱۸. در صفحات ۱۲۰ تا ۱۲۱ شرح لغات و تفسیر ابیات داستان به اختصار آمده است.
۱۹. در مورد ابیات نقل شده در ابتدای صفحه ۱۴۹ مخصوصاً دو بیت ذیل:
- ز روز گذر کردن اندیشه کن      پرستیدن دادگر پیشه کن  
بترس از خدا و میازار کس      ره رستگاری همین است و بس
- باید توضیح بیشتر داده می‌شد. این ابیات اعتقادات راسخ استاد توس را به اصول دینی مدلل می‌کند و اهمیت این دو بیت به اندازه‌ای است که به نقل از **مرزبان نامه**: «امام احمد غرالی رحمه‌الله علیه روزی در مجمع تذکر و مجلس و عظمی روی به حاضران می‌گوید: ای مسلمانان هر چه من در چهل سال از سر این چوب پاره شما را می‌گویم، فردوسی در آن دو بیت، گفته است، اگر بر آن خواهید رفت، از همه مستغنی شوید» (ر.ک. مرزبان نامه، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۳، صفحه ۲۰۶)؛

۲۰. درباره ابیات آغازین صفحه ۱۸۶ (ابیات ۶۶۲ تا ۶۶۴) که موضوع آن توحید و معاد است، شارح می‌بایست به هنگامی که در پاورقی صفحه ۱۹۳ در مورد واژه آرام - در مصراع «سرایي جرین باشد آرام تو» - توضیح می‌داد و آن جهان را جای آرامش و بقا معرفی می‌کرد به اعتقاد راسخ فردوسی و قهرمانان شاهنامه به موضوع رستاخیز و جهان باقی پس از مرگ اشارت می‌کرد؛
۲۱. در مورد ابیات ۱ تا ۱۱ صفحه ۱۹۴ که سخن فردوسی درباره صفات جلال و جمال خداوند است و اشارتی دارد به فلاسفه‌ای که در ذات باری تعالی چون و چرا کرده‌اند، با توجه به ابیات قبل و بعد آن، شارح می‌بایست در پاورقی صفحه ۱۹۸، درباره توحید و مشرب فکری فردوسی که صفات خداوند را عین ذات او می‌داند، توضیح بیشتری می‌داد؛
۲۲. شکل صحیح مصراع اول بیت شماره ۲۶۸ در صفحه ۲۱۱ این گونه است: «زمانی فرو ماند زان کار سخت»؛
۲۳. شکل صحیح مصراع دوم بیت شماره ۲۶۲ در صفحه ۲۱۵ این گونه است: «زمین را چو دریای جوشان بدید»؛
۲۴. در مورد ابیات شماره ۱۴۰ تا ۱۴۸ صفحه ۲۲۸ مربوط به جنگ کیخسرو با افراسیاب، نکته بسیار مهم در این بخش نیایش کیخسرو با خداوند است؛ شارح می‌توانست در پاورقی صفحه ۲۳۷ توضیحی درباره عدالت جویی و ظلم‌ستیزی قهرمانان شاهنامه و خود فردوسی بدهد و بر این نکته تکیه کند

ادبیات کلاسیک ۷۹

که **شاهنامه** در واقع «حماسه‌داد» است و شمشیر پهلوانان ایران زمین در راه بسط عدالت به کار می‌رود؛

۲۵. در سطر ۱۷ صفحه ۲۳۸، زیر از پسران گشتاسب معرفی شده است، در

حالی که زیر برادر گشتاسب است که به دست ارجاسب کشته می‌شود؛

۲۶. شکل صحیح بیت شماره ۴۸ صفحه ۲۴۲ چنین است:

همی خواندندش خداوندِ رخس جهانگیر و شیر اوژن و تاجبخش

۲۷. شکل صحیح بیت ۲۲۲ صفحه ۲۵۰ چنین است:

ورابر کشیدند و دادند چیز فراوان بر این سال بگذشت نیز

۲۸. اغلاط تایی بسیاری نیز در کتاب، **برگزیده و شرح شاهنامه** وجود دارد؛

صورت صحیح برخی عبارات و مصراع‌هایی که در آنها اغلاط وجود دارد، به

شرح زیر است:

- صفحه ۱۲۳ سطر ۱۷ «و نهانی او را به شبستان خود خواند.»

- صفحه ۱۳۳ بیت شماره ۱۷۰: «... بر این بد تو را باشد آموزگار»

- صفحه ۲۴۲ بیت شماره ۵۲: «از آن پس نیچید سر از ما کسی .....»

- صفحه ۲۴۴ بیت شماره ۸۸: «زدادار باید که دارد سپاس .....»

- صفحه ۲۴۶ بیت شماره ۱۳۰: «... نتابد، بیچد سر از کارزار»

- صفحه ۲۴۸ بیت شماره ۱۷۷: «عنان با عنان تو بندم به راه ....»

- صفحه ۲۵۱ بیت شماره ۲۴۰: «..... به زور و به مردی رزم آزمود»

- صفحه ۲۵۹ بیت شماره ۴۱۱: «.... که کین جوید از رزم اسفندیار»

- صفحه ۲۷۰ بیت شماره ۳۵: «همان‌گه سپهدار کابل ز راه.»